



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در این بود که شیخ اعظم انصاری (ره) اعلی الله تعالی مقامه فرمودند یکی از راههای اثبات صحت بیع فضولی أدله و اخبار وارده در باب نکاح می باشد که بر صحت نکاح فضولی دلالت دارند، عرض کردیم روایات مذکور دو دسته اند؛ تعدادی از آنها دلالت دارند بر اینکه اگر عبید و إماء بدون إذن مولی نکاح کنند و سپس مولی علم پیدا کند و راضی شود و اجازه دهد نکاح آنها صحیح می باشد و تعدادی دیگر مربوط به أحرار می باشند و دلالت دارند براینکه اگر زن و یا شوهر که نکاح فضولی از طرف آنها واقع شده بعداً آن را اجازه کنند صحیح می باشد.

شیخ اعظم در ادامه فرمودند شهید اول در غایة المراد و صاحب ریاض و عده ای دیگر از اخبار مذکور اولویت صحت بیع فضولی را استفاده کرده و فرموده اند چونکه نکاح مربوط به بضع و فروج است و یکون منه الولد لذا در نظر شارع مقدس اهم است و اهتمام بیشتری به آن دارد بنابراین اگر یک دلیلی بر صحت فضولیت در باب نکاح با اهمیتی که ذکر شد قائم شود به طریق اولی دال است بر اینکه فضولیت در بیع نیز صحیح می باشد، که البته ما اولویت مذکور را به بیانی که گذشت رد کردیم.

شیخ اعظم انصاری در ادامه کلامشان به سراغ روایت علاء بن سیابة رفتند و از آن استفاده کردند که اولویتی

آن طور که صاحب ریاض و شهید اول فرمودند ( در بین نیست .

روایت علاء بن سیابة از جهت فهم اینکه چه چیزی را می خواهد بگوید بسیار مهم می باشد، خبر را قبلاً خواندیم و عرض کردیم در جامع الروات ذکر شده که اسناد صدوق تا علاء بن سیابة صحیح است ولی خود علاء بن سیابة محل بحث است، عده ای خبر را صحیح دانسته اند و عده ای آن را بخاطر وجود علاء بن سیابة تضعیف کرده اند.

متن حدیث: علاء بن سیابة از حضرت صادق (ع) سؤال می کند که: « قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ امْرَأَةٍ وَكَوَلْتُ رَجُلًا، بِأَنْ يُزَوِّجَهَا مِنْ رَجُلٍ فَقَبِلَ الْوَكَالَתَ فَأَشْهَدْتُ لَهُ بِذَلِكَ، فَذَهَبَ الْوَكِيلُ فَرَزَّوَجَهَا، ثُمَّ إِنِّي أَنْكَرْتُ ذَلِكَ الْوَكِيلَ، وَزَعَمْتُ أَنَّهَا عَزَلَتْهُ عَنِ الْوَكَالَتِ، فَأَقَامَتْ شَاهِدَيْنِ أَنَّهَا عَزَلَتْهُ »، حضرت قبل از اینکه جوابش را بدهد از او می پرسد: « مَا يَقُولُ مَنْ قَبَلَكَمْ فِي ذَلِكَ؟ »، علاء در جواب حضرت می گوید: « قَالَ: قُلْتُ يَقُولُونَ يُنْظَرُ فِي ذَلِكَ: فَإِنْ كَانَتْ عَزَلَتْهُ قَبْلَ أَنْ يُزَوِّجَ، فَالْوَكَالَتُ بَاطِلَةٌ وَالتَّزْوِيجُ بَاطِلٌ، وَإِنْ عَزَلَتْهُ وَقَدْ زَوَّجَهَا، فَالتَّزْوِيجُ ثَابِتٌ عَلَى مَا زَوَّجَ الْوَكِيلُ، وَعَلَى مَا اتَّفَقَ مَعَهَا مِنَ الْوَكَالَتِ، إِذَا لَمْ يَتَّعَدَّ شَيْئًا مِمَّا أَمَرَتْ بِهِ، وَاشْتَرَطَتْ عَلَيْهِ فِي الْوَكَالَتِ »، ما در مسئله ی عزل وکیل با عامة اختلاف نظر داریم ما می گوئیم اگر موکل وکیل را عزل کرد باید این عزل را به او اعلام و ابلاغ کند و تا وقتی که این کار را نکرده هر کاری که وکیل انجام دهد مثل وقتی است که عزل نشده بوده یعنی اعلام

مَالِكَةَ لِأَمْرِي قَبْلَ أَنْ يُزَوِّجَنِي ، فَقَالَ : أَشْهَدْتُكُمْ عَلَى ذَلِكَ بِعِلْمٍ مِنْهُ وَمَحْضَرَ؟ فَقَالُوا : لَا ، فَقَالَ : تَشْهَدُونَ أَنَّهَا أَعْلَمَتْهُ بِالْعَزْلِ كَمَا أَعْلَمَتْهُ الْوَكَالَةَ؟ قَالُوا : لَا ، قَالَ : أَرَى الْوَكَالََةَ ثَابِتَةً وَالنِّكَاحَ وَقَاعًا ، أَيْنَ الزَّوْجُ؟ فَجَاءَ فَقَالَ : خَذْ بِيَدِهَا بَارِكَ اللَّهُ لَكَ فِيهَا ، فَقَالَتْ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَحْلِفْهُ أَنِّي لَمْ أَعْلِمَهُ الْعَزْلَ وَ لَمْ يَعْلَمْ بِعَزْلِي إِيَّاهُ قَبْلَ النِّكَاحِ ، قَالَ : وَ تَحْلِفُ؟ قَالَ : نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، فَحَلَفَ فَاتَّبَتْ وَكَانَتْهُ وَ أَجَازَ النِّكَاحَ « ، این روایت علاء بن سیّابة بود که به عرضتان رسید .

اهل بیت (ع) فرموده اند : « أنتم أفقه الناس إذا عرفتم معاني كلامنا » ، خبر علاء بن سیّابة خیلی مورد بحث واقع شده است ، شیخ اعظم انصاری طوری و دیگران نیز هر کدام طور دیگر از این خبر استفاده کرده اند ، صاحب جواهر نیز این خبر را در جلد ۲۷ از جواهر ۴۳ جلدی ص ۳۵۹ در کتاب الوکالة ذکر کرده و فرموده این خبر اصلاً مربوط به بحث بیع فضولی نیست بلکه مربوط به بحث وکالت است و یکی از شواهدی است که بر اختلاف ما با عامه در بحث عزل وکیل وجود دارد .

شیخ اعظم انصاری از خبر علاء اینطور استفاده می کند و می فرماید عامه می گویند در بیع و امثاله اگر عزل به وکیل نرسد صحیح است ولیکن در نکاح باطل است و حضرت ردّاً علیهم فرموده : « مَا أَجَوَرَ هَذَا الْحُكْمَ وَ أَفْسَدَهُ ، إِنَّ النِّكَاحَ أُخْرَى وَ أُخْرَى أَنْ يُحْتَاطَ فِيهِ وَ هُوَ فَرَجٌ ، وَ مِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ » یعنی در واقع حضرت نظرش این است که همانطور که بیع صحیح است نکاح نیز صحیح می باشد و چرا عامه گفته اند نکاح باطل می باشد؟ بنابراین شیخ اعظم از حدیث صحت نکاح را

و ابلاغ موضوعیت دارد ، با توجه به این مطلب حضرت می فرمایند : « قَالَ : ثُمَّ قَالَ يَعْزِلُونَ الْوَكِيلَ عَنْ وَكَالَتِهَا ، وَ لَمْ تُعْلِمَهُ بِالْعَزْلِ ؟ » ، علاء در جواب حضرت می گوید : « قُلْتُ نَعَمْ يَزْعُمُونَ أَنَّهَا لَوْ وَكَلْتُ رَجُلًا ، وَ أَشْهَدْتُ فِي الْمَلَأِ وَ قَالَتْ فِي الْخَلَاءِ ، أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَزَلْتُهُ ، أَبْطَلْتُ وَكَانَتْهُ بَلَا أَنْ يَعْلَمَ فِي الْعَزْلِ ، وَ يَنْقُضُونَ جَمِيعَ مَا فَعَلَ الْوَكِيلُ فِي النِّكَاحِ خَاصَّةً ، وَ فِي غَيْرِهِ لَا يُبْطَلُونَ الْوَكَالََةَ ، إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ الْوَكِيلُ بِالْعَزْلِ » ، عامه چنین تفصیلی را قائل شده اند و علتش نیز استحسانی است که با تکیه بر آن می گویند : « وَ يَقُولُونَ الْمَالُ مِنْهُ عَوْضٌ لِصَاحِبِهِ ، وَ الْفَرَجُ لَيْسَ مِنْهُ عَوْضٌ إِذَا وَقَعَ مِنْهُ وَ لَدَّ » ، حضرت با شنیدن این جملات فرمودند : « فَقَالَ (ع) : سُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَجَوَرَ هَذَا الْحُكْمَ وَ أَفْسَدَهُ ، إِنَّ النِّكَاحَ أُخْرَى وَ أُخْرَى أَنْ يُحْتَاطَ فِيهِ وَ هُوَ فَرَجٌ ، وَ مِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ » ، حضرت در ادامه به سراغ یکی از قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع) رفته که مثل همین قضیه اتفاق افتاده بوده ، حضرت می فرماید : « إِنَّ عَلِيًّا (ع) أَتَتْهُ امْرَأَةٌ تَسْتَعْدِيهِ عَلَى أُخِيهَا ، فَقَالَتْ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي وَكَلْتُ أُخِي هَذَا ، بَانَ يُزَوِّجَنِي رَجُلًا وَ أَشْهَدْتُ لَهُ ، ثُمَّ عَزَلْتُهُ مِنْ سَاعَتِهِ تِلْكَ ، فَذَهَبَ فَزَوَّجَنِي وَ لِي بَيِّنَةٌ أَنِّي قَدْ عَزَلْتُهُ قَبْلَ أَنْ يُزَوِّجَنِي ، فَأَقَامَتِ الْبَيِّنَةَ ، فَقَالَ الْأَخُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّهَا وَكَلَّتْنِي وَ لَمْ تُعْلِمْنِي أَنَّهَا عَزَلْتَنِي عَنْ الْوَكَالََةِ حَتَّى زَوَّجْتَهَا كَمَا أَمَرْتَنِي ، فَقَالَ لَهَا : مَا تَقُولِينَ؟ قَالَتْ : قَدْ أَعْلَمْتُهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، فَقَالَ لَهَا : أَلَيْسَ لَكَ بَيِّنَةٌ بِذَلِكَ؟ فَقَالَتْ : هُوَ لَاءِ شُهُودِي يَشْهَدُونَ ، قَالَ لَهُمْ : مَا تَقُولُونَ؟ فَقَالُوا : نَشْهَدُ أَنَّهَا قَالَتْ : أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَزَلْتُ أُخِي فَلَنَا عَنْ الْوَكَالََةِ بِنَزْوِجِي فَلَنَا ، وَ أَنِّي

کند چونکه احتمال وقوع ازدواج هست احتیاطاً طلاق می دهیم، راه احتیاط همین است که عرض شد البته در اینجا احتیاطی که مستلزم درک واقع به تمام معنی باشد ممکن نیست چون دوران بین محذورین است ولی راه احتیاط شرعاً معلوم می باشد، علی ای حال کلام شیخ انصاری (حکم به صحت نکاح احتیاطاً) مردود است و اما در مورد قضاوت امیرالمؤمنین (ع) نیز باید عرض کنیم که حضرت می دانسته که آن شخص دروغ می گوید و می دانسته که نکاح قبل از عزل واقع شده بوده لذا آن طور حکم کرده.

خوب و اما اشکال مذکور را حضرت امام (ره) در ص ۱۵۵ از جلد ۲ کتاب البیع و سید فقیه یزدی در ص ۱۱۵ از جلد ۲ حاشیه ی مکاسب در حاشیه ی شماره ۱۵۱ و آیت الله خوئی در مصباح الفقاهة و دیگران ذکر کرده اند.

بقیه ی بحث بماند برای جلسه ی بعد إن شاء الله تعالی  
...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين

استفاده کرده و خیلی روی این مطلب مانور داده و حتی فرموده از این خبر عکس کلام صاحب ریاض و شهید اول استفاده می شود، آنها فرمودند از صحت نکاح فضولی به طریق اولی صحت بیع فضولی ثابت می شود ولی این خبر دلالت دارد براینکه وقتی بیع صحیح شد نکاح نیز صحیح می شود در واقع حضرت می خواهند بفرمایند اصل صحت مالیه است و اولویت در صحت مالیه است لذا در هر جائی که بیع فضولياً صحیح است نکاح فضولی نیز صحیح می باشد.

شیخ اعظم انصاری در ادامه کلامش فرموده علت اینکه حضرت فرموده: «إِنَّ النِّكَاحَ أَحْرَى وَأَحْرَى أَنْ يُحْتَاطَ فِيهِ وَهُوَ فَرْجٌ وَمِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ» آن است که اگر بگوئیم بیع صحیح است به طریق اولی باید نکاح صحیح باشد چونکه اگر نکاح باطل باشد یلزم زنا به ذات البعل ولی اگر نکاح صحیح باشد یلزم زنا به غیر ذات البعل، این مقداری از کلام شیخ انصاری در استدلال به خبر علاء بن سیابة بود که به عرضتان رسید.

خوب و اما در مقابل شیخ انصاری باید عرض کنیم که در خیر حضرت نفرموده نکاح صحیح می باشد بلکه فرمودند: «مَا أَجْوَرَ هَذَا الْحُكْمَ وَأَفْسَدَهُ، إِنَّ النِّكَاحَ أَحْرَى وَأَحْرَى أَنْ يُحْتَاطَ فِيهِ وَهُوَ فَرْجٌ، وَمِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ» و احتیاط کردن غیر از صحت نکاح است و در واقع حضرت در مقام رد حکم استحسانی عامه می باشد.

خوب و اما راه احتیاط اینطور است که از زن سوال می کنیم، اگر خواست با مرد اولی ازدواج کند مجدداً صیغه ی عقد را می خوانیم و اگر نخواست با مرد اولی ازدواج